

در آثار مصاهرت

اثر اول

زن هر يك از پدر و اجداد پدری و مادری هر چه بالا بروند نسبت با اولاد و احفاد آنها هر چه پائین بروند حرام میشود بنابراین مرد نمیتواند بازن پدر خود یا بازن یکی از اجداد خودش ازدواج کند هر چند قرابت مزبور رضاعی هم بوده باشد و نکاح هم نکاح دائمی باشد یا انقطاعی و فرقی نیست میان اینکه زن مدخول بها باشد یا غیر آن •

برای اینکه مبني و دلیل حکم مزبور که آیه (لأنکحوا ما نکح آبائکم من النساء) است عبارت عامی است بدون مخصص و منظور از نکاح که در آن ذکر شده در معنی ازدواج حقیقت است و در معانی غیر از ازدواج مجاز است و چون قرینه برای استعمال آن در معانی مجازی موجود نیست ناچار باید گفت که در این مورد مقصود معنای حقیقی است که ازدواج باشد نه معانی مجازی دیگر و البته ازدواج هم اعم از این است که از طرف فرزندان نسبی واقع شود یا رضاعی و اعم از این است که ازدواج دائم باشد یا انقطاعی و اعم از این است که منکوحه پدران و اجداد نمیتوانند با هیچک از فرزندان و نوکان خود ازدواج نمایند خواه پدران و اجداد نسبی باشد یا رضاعی و خواه ازدواج انقطاعی باشد یا دائمی و زن هم زن معقوده باشد یا مدخوله زیرا ملائک این حکم که عبارت از آیه: (و حلالن لبائکم) بوده باشد اعم از همه اینها و شامل تمام مذکورات است و کلامه حلالن که جمع حلیله است فقط در معقوده فرزندان حقیقت است و قتیکه ازدواج با معقوده غیر مجاز باشد یا مدخوله بطریق اولی مجاز نخواهد بود •

اثر دوم

زنی که مردی با او نزدیکی نموده مادران آن زن هر چه بالا بروند نسبت با آن مرد حرام است اعم از اینکه نزدیکی

با آن زن از طریق مشروع باشد یا غیر مشروع بنا بر این اگر مردی با زنی ولو بغیر مشروع هم نزدیکی کرده باشد دیگر ازدواج او با مادر آن زن مجز نخواهد بود •

اثر سوم

زنی که با مردی ازدواج نموده ولو اینکه هنوز میان آنها زناشویی و نزدیکی بعمل نیامده است مادران آن زن هر چه بالا بروند برای این مرد حرام و ازدواجشان ممنوع است خواه نسبی باشد یا رضاعی و این عقیده انفقیه نبوده بلکه قریب به اجماع است و اقوی هم قول تحریم است •

اثر چهارم

زنی که مردی با او نزدیکی نموده اعم از مشروع و غیر مشروع دختران آن زن با آن مرد محرم بوده و آن مرد نمیتواند با آن دخترها ازدواج نماید •

اما اگر مردی زنیرا عقد کرد مادامیکه میان آن ها نزدیکی بوقوع نپیوسته آن مرد میتواند دختران آن زن را ازدواج کند مشروط باینکه مادر را قبل از نزدیکی با او و ازدواج دختر مطلقه نماید و این حکم متفق علیه است و اختلافی در آن نیست و آیه که مستند آن است شرط حرمت دختران نزدیکی با مادر قرار داده •

اثر پنجم

جمع میان دو خواهر در عقد ازدواج ممنوع است یعنی شخص نمیتواند دو خواهر را در آن واحد عقد کرده و بمنوان زوجیت هر دو را نگاهدارد خواه هر دو بعقد دائم باشد یا انقطاعی و خواه یکی دائم و دیگری انقطاعی باشد •

ولی بمحض اینکه یکی از دو خواهر که در قید زوجیت او است فوت کرد یا بعلتی از علل فسخ یا انحلال نکاح از زوجیت او خلاص شد ازدواج خواهر دیگر مانعی نداشته و مجاز خواهد بود •

نمایند زیرا جمع شدن میان آنها بسته برضایت عمه و خاله است و ممکن است ابراز عدم رضایت بوسیله فسخ عقد خود یا عدم تنفیذ عقد ثانوی بعمل آید .

دسته ازاعظم دانشمندان حقوق اسلامی را که شهیدین نیز از جمله آنها هستند رأی براین است که چون جمع میان آنها بدون رضایت عمه و خاله غیر ممکن و در صورت رضایت امکان پذیر است لذا عمه و خاله میتوانند عقد دختر برادر یا دختر خواهر را تنفیذ نموده و عقد بحال خود باقی بماند و هم میتوانند عقد آنها را فسخ نمایند و اگر عقد ثانی را فسخ کردند عقد محکوم ببطال است این عقیده و رأی موجه بوده و ظاهر امر هم این است که قانون مدنی باین ماده نامبرده فوق این نظر را پسندیده است که میگوید (مگر با اجازه زن خود) یعنی اگر زن فعلی شخص اجازه داد باین معنی که بعقد ثانوی رضایت داد باین وقوع آنرا تنفیذ کرد عقد صحیح است و اگر اجازه نداد و عقدا را فسخ نمود عقد ثانوی باطل است اما در صورت دوم و تقدم عقد دختر برادر و دختر خواهر بر عقد عمه و خاله - ظاهر ماده مزبوره مشعر بمنع اینصورت نمیباشد چه از ظاهر جمله (نمی تواند دختر برادر زن یا دختر خواهر زن خود را بکیرد) تقدم عقد عمه و خاله بر عقد دختر برادر و دختر خواهر مستفاد می شود که در اینصورت جواز عقد دختر خواهر و برادر را مشروط با اجازه زن خود نموده و متعرض صورت دیگر نگردیده مگر اینکه برخلاف ظاهر ماده اخذ و گفته شود مقصود از آن خود بر سبیل مجاز مشارقه و اعم از زن فعلی و بالقوه میباشد ولی فقهاء اسلامی این موضوع را نیز مورد بحث قرار داده و در صورت تقدم عقد دختر خواهر و دختر برادر بر عقد خاله و عمه هم میگویند جمع میان آنها بسته برضایت و اجازه خاله و عمه میباشد و اگر عمه یا خاله اطلاع بر عقد دختر برادر یا دختر خواهر داشته و با علم و اطلاع بعقد آنها اقدام بازدواج بشوهر آنها نمایند البته خود این سابقه و اطلاع رضایت بجمع میان آنها است و عقد صحیح است و اگر سابقه اطلاعی بعقد دختر برادر یا دختر خواهر نداشته و بعد از ازدواج خود مطلع شدند بعضی را عقیده بر آن است که در اینصورت عقد آنها باطل است زیرا اجازه قبلی که شرط

مشروط باینکه عده لازم منقضی شده باشد در طلاق زجعی بعقیده جمهور فقهاء و در طلاق بائن در نظر بعضی از علماء جعفری و ماده ۱۰۴۸ ناظر اینمورد است .

اثر ششم

ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی میگوید: هیچکس نمیتواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بکیرد مگر با اجازه زن خود از این ماده چنین برمیآید که اگر کسی زنی را در قید زوجیت دارد در صورتیکه بخواهد دختر برادر یا دختر خواهر او را ازدواج کند باید از زن خود اجازه گرفته و پس از تحصیل رضایت او میتواند آنها را ازدواج کند و بدون رضایت او جمع میان زن خود و آنها ممنوع است بعبارة آخری جمع میان عمه و دختر برادر او موقوف است برضایت عمه و جمع میان خاله و دختر خواهر او منوط برضایت خاله است و اینموضوع مورد اجماع بوده و اخبار بسیاری هم در این باب وارد است ولی در اینمورد ممکن است دو صورت متصور شود اول اینکه عقد عمه و خاله مقدم بر عقد دختر برادر یا دختر خواهر آنها باشد. دوم آنکه عقد دخترها مقدم و عقد عمه و خاله بعد از آنها واقع شود . در صورت اول و تقدم عقد عمه یا خاله ازدواج با دختر برادر و دختر خواهر آن ها بسته برضایت آنهاست. حال اگر در اینصورت قبل از جلب رضایت یا با احراز عدم رضایت و علم از طرف آنها مبادرت به ازدواج دخترها نمود چه باید کرد و اگر بعد از وقوع عقد رضایت دادند چه صورتی دارد و اگر بهمان حال عدم رضایت باقی ماندند چه حکمی دارد؟ بعضی را در این باب عقیده بر آن است که در هر حال عقد ثانوی باطل است زیرا شرط صحت عقد تحصیل رضایت قبل از عقد است نه بعد از آن و چون شرط نامبرده قبل از عقد بعمل نیامده و تحصیل رضایت بعدی هم مؤثر نبوده بواسطه فقدان شرط صحت مشروط آن نیز که صحت عقد است از بین خواهد رفت .

برخیرا نظر بر آن است که عمه و خاله مختار هستند که عقد خود را ابقاء نموده و عقد دختر برادر یا دختر خواهر را فسخ نمایند یا عقد آنها را تنفیذ کرده و عقد خود را فسخ

صحت عقد است بعمل نیامده و برخی میگویند چون جمع میان آنها بسته برضایت عمه و خاله است و اگر بعد از وقوع عقد هم رضایت بجمع بدهند عقد صحیح است و اگر راضی نشدند میتوانند عقد خود را فسخ نموده و رها شوند و با عقد دختر برادر و دختر خواهر را فسخ نمایند و خود در زوجیت باقی بمانند ولی قول موجه این است که عقد آنها صحیح است منتها فقط می‌توانند پس از اطلاع عقد خود را فسخ نمایند و یا بعقد واقع و جمع رضایت داده و بحال خود باقی باشند و بنابراین نه عقد باطل است و نه آنها اختیار فسخ عقد دختر برادر و دختر خواهر را خواهند داشت زیرا بمحض اطلاع اگر رضایت بجمع دادند شرط صحت بعمل آمده و هر دو عقد صحیح است و بواسطه اظهار رضایت حق فسخ هم ساقط می‌شود و اگر رضایت بجمع ندادند می‌توانند از حق فسخ خود استفاده نموده و عقد خود را فسخ نمایند.

اثر هفتم

مواقعه که قبل از عقد و از طریق شبهه یا زنا واقع می‌شود در حکم مصاهره بوده و کلیه احکام مصاهره درباره چنین مواقعه مجری خواهد بود و بنابراین زنیکه بعنوان نامشروع یا شبهه مواقعه با او بعمل آمده نسبت بپدر و پسر مواقعه کننده حرام بوده و مادر و دختران زن را هم خود مواقعه کننده نمی‌تواند ازدواج کند ولی اگر مواقعه مزبوره بعد از عقد واقع شود قول اصح این است که در عقد واقع شده تزلزلی حادث نشده و این مواقعه بعدی ایجاد حرمتی در میان طرفین عقد نخواهد کرد مثل اینکه دامادی با مادر زن خود (بعد از وقوع عقد میان او و دختر) شبهه یا بعنوان نامشروع نزدیکی کرد این عمل در صحت عقد سابق دختر و داماد خللی وارد نمی‌آورد و زن و شوهر بیکدیگر حرام نمی‌شوند.

اثر هشتم

هرگاه کسی زنی را لمس نموده یا باو نظری کند که آن لمس و نظر از روی شهوت نفس بوده و لمس و نظری باشد که فقط برای شوهر مباح است لا غیر بنظر بعض از فقهاء ازدواج آن زن برای پسر کسیکه لمس و نظر کرده است ممنوع است ولی عکس قضیه ولی ملموسه و منظوره پسر شخص برای دختر ممنوعیت قانونی ندارد و مباح است ولی خالی از کراهت

و ناشایستگی نیست. چنانکه گفته شد شرط حرمت در اولی و کراهت در دومی نظر و لمس است که بجز بشوهران نظر و لمس نارسا است اما نظر اتفاقی و نظری که در مقام خواستگاری زن تجویز شده مثل نگاه کردن بصورت و دستها و جاهای زینت زن یا لمس که من باب ضرورت بوده و مربوط بشهوت نفس نمی‌باشد از قبیل لمس پزشک ببدن بیمار و امثال اینها البته هیچیک از اینها موجب ممنوعیت یا کراهت نخواهد بود.

اثر نهم

تزوید مادر و دختر در عقد واحد ممنوع و عقدهر دو نفر باطل است زیرا اولاً جمع میان مادر و دختر ممنوع و بطلان عقد از نظر ممنوعیت آن است ثانیاً نظر باینکه در حین عقد نسبت مادر و دختر بشوهر نسبت مساوی است و فرق و امتیازی ندارند اگر قائل بصحت عقد یکی و بطلان عقد دیگری بشویم خود ترجیح لامرجح بوده و باطل است و همچنین است حکم در صورت جمع بین دو خواهر در عقد واحد و دلیل همان است که فوقاً ذکر شد بنا بر مراتب فوق اگر مادر و دختر یا دو خواهر را در عقد واحد ازدواج کرد هیچیک از آنها باین شخص سمت مشروعی پیدا نکرده و بواسطه بطلان عقد هر دو باینمرد حرام و هر دو نسبت باو مانند زن اجنبی می‌باشند و اگر بازدواج یکی از آنها داشته باشد باید او را با عقد مجدد ازدواج کند - و چون ازدواج بیش از چهار زن با عقد دوام غیر مجاز است لذا اگر پنج زن با عقد دائم در یک عقد ازدواج کرد یا اگر سه زن دارد و در زن دیگر هم در یک عقد ازدواج کرد یا دوزن دائمی دارد و سه زن هم بهمان نحو در یک عقد ازدواج نمود در هر يك از این موارد حکم فوق جاری است و عقد زنهائیکه در یک عقد ازدواج شده‌اند باطل و برای هیچیک از این عقود از ازدواج مترتب نخواهد شد و در حرمت ازدواج مادر و دختر و دو خواهر در يك عقد فرقی میان عقد دائم و عقد انقطاعی نبوده و هر دو حکم واحد را دارند بنابراین اگر مادری را با عقد دائم و دختر را با عقد انقطاعی ازدواج کند بطوریکه در آن واحد جمع میان آنها بعمل آید عقدهر دو باطل و بلا اثر خواهد بود و ازدواج در عده مشروحاً در مقاله دیگر ذکر خواهد شد.